

غلام پروین دارآبادی، تاریخ جغرافیایی منطقه خزر، ژئوپلیتیک و روزگار معاصر، باکو: انتشارات علم، ۲۰۱۲، ۱۹۱ صفحه (به زبان روسی)

دریای خزر که در خط میانه آسیا و اروپا واقع است در سه هزار سال گذشته در زندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ملتها و کشورهایی که به این دریا دسترسی دارند نقش مهمی داشته است. از نظر ژئواستراتژی منطقه خزر میدان رویدادهای مهم در محورهای قفقاز و آسیای مرکزی و هند می باشد. قفقاز که میان منطقه دریای خزر و دریای سیاه واقع شده برای رسیدن به خاورمیانه و خاور دور از جنوب و نیز به بخش شرقی دریای مدیترانه و خلیج فارس منطقه بسیار مناسب و مهمی محسوب می گردد. در این منطقه وسیع، قفقاز نقش ژئوپلیتیک اصلی را دارد. قفقاز و بخصوص آذربایجان از نظر موقعیت جغرافیایی مانند یک پل عظیم اروپای شرقی را به آسیا متصل می کند. از آسیای مرکزی به سواحل دریای سیاه و دریای مدیترانه و از صحراهای میان قاره های به خاور دور راههای اصلی عبور می کند.

در هزاره اول قبل از میلاد در منطقه دریای مدیترانه یونانستان و در خاورمیانه کشوری باستانی بنام اهمنی وجود داشت. منطقه خزر از سالهای ۳۰-۲۰ قرن چهارم از نظر ژئوپلیتیک حائز اهمیت گردید.

امپراطوری روم از قرن اول قبل از میلاد تا قرن دوم میلادی تلاش می کرد در سواحل آلبانی خزر موقعیت خویش را استحکام بخشد که دلیل اصلی این اقدام ایجاد

تماس با کشورهای آسیای مرکزی از طریق عبور از کنار دولت پارسیا بود. بدین ترتیب، هدف نهایی امپراطوری مذکور کنترل محور جاده ابریشم بود. دوران قرون وسطی از نظر گوناگونی حوادث نظامی - سیاسی غنی بود. کشورهای اروپا از یک طرف و کشورهای چین و هند و آسیای مرکزی از طرف دیگر می خواستند کنترل خود را بر جاده های تجاری که بطور روزافزونی مهمتر می شدند افزایش بدهند. جاده ساحلی خزر که از قدیم بعنوان جاده عبوری از طریق غرب خزر معروف بود از نظر اقتصادی و نظامی و استراتژیک از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بود. در مدت بیش از هزار سال یعنی از قرن ۳ الی قرن ۱۴ فشارهای نظامی و سیاسی گوناگون یکی پس از دیگری به این منطقه وارد گردید. در مدت بین قرن ۴ الی ۸ نیز نیروهای قدرتمند بیگانه به منطقه خزر سرازیر شدند. در محور شمال شرقی اقوام بسیاری از نژاد ترک چون صابرلر و هونها و خزرلر و غیره در قرون ۹-۱۲ در محور شمال غربی روسها و در قرن یازدهم از جنوب شرقی سلجوقیان و در قرن ۱۳ و اواخر قرن ۱۴ و اوایل قرن ۱۵ نیروهای تیمور به این منطقه روی آوردند.

در نیمه دوم قرن ۱۵ بین دو کشور نیرومند خاورمیانه یعنی امپراطوری عثمانی و آق قویونلو آذربایجان درگیریهایی صورت گرفت که بعد دولت صفوی نیز به آن اضافه شد. نتیجه این اقدامات باعث گردید اوضاع در منطقه دریای خزر بطور اساسی تغییر یابد. علاوه بر مطالب ذکر شده پس از نیمه دوم قرن ۱۶، راه دریایی رودخانه ولگا به خزر در روابط تجاری اروپا با آسیا نقش مهم روزافزون بخود می گیرد. در سال ۱۵۵۶، شهر حاج ترخان از طرف نیروهای روسی اشغال گردید و به دنبال آن در این منطقه یک قدرت واقعی نظامی و سیاسی بوجود می آید. بطور کلی در این دوره، افزایش فعالیت های نظامی و سیاسی امپراطوری عثمانی در منطقه خزر جلب نظر می کند. اعمال کنترل بر منطقه مذکور، تماس مستقیم با کشورهای آسیای مرکزی را برای امپراطوری عثمانی مهیا می ساخت.

در اوایل قرن ۱۸ منطقه خزر در خاورمیانه و خاور نزدیک تبدیل به میدان جدید و شدید ژئوپلیتیک طرفهای ذینفع گردید. علاوه بر ترکیه و ایران، روسیه و انگلستان نیز در حوادث نظامی و سیاسی منطقه خزر بطور فعالانه شرکت جستند. در آن روزگار، روسیه هنوز راهی به دریای

سیاه نداشت و مایل بود بر دریای خزر و سواحل آن کنترل داشته باشد و تلاش آن کشور این بود که بدین وسیله تمام تجارت اروپا و آسیا را که از طریق ترکیه و دریای مدیترانه صورت می‌گرفت با محور بالتیک-ولگا خزر عوض نماید. کنترل روسیه بر دریای خزر در راستای سیاست ژئوپلیتیک اشغال باکو توسط پطر اول بود. در همین دوره، هدف اصلی ژئوپلیتیک پطر اول در منطقه عبارت از آن بود که هیچ کشوری را به سواحل دریای خزر راه ندهد. پطر اول با پشتیبانی نیروی دریایی قوی در خزر توانست از دیگر کشورها بویژه از ترکیه جلو بیفتد. در نتیجه «یورش فارس» بین سالهای ۱۸۲۲ و ۱۷۲۳ مناطق ساحلی غرب و جنوب خزر و نیز باکو تحت اشغال نیروهای روسی قرار گرفت و روسیه (پطر اول) به حکمفرمای دریای خزر تبدیل شد. ولی با توجه به شرایط بین‌المللی نامطلوبی که در دهه ۳۰ قرن ۱۸ بوجود آمد روسیه مجبور شد مناطق ساحلی خزر را که تحت اشغال خود داشت ترک گوید.

در اوایل قرن ۱۹، مبارزه برای کنترل حوضه خزر با نیروی جدید گسترش یافت. در نتیجه دو جنگ موفق روسیه با ایران در بین سالهای ۱۸۰۴-۱۸۱۳ و ۱۸۲۶-۱۸۲۸ آن کشور در منطقه جنوبی به هدف اصلی ژئوپلیتیک خود یعنی به حکمفرمایی در خزر رسید.

روسیه در سایه توان نظامی و استراتژیک خود موفق به کسب امتیازات زیر گردید:

اولاً روسیه طی تاریخ طولانی خود صاحب میدانهای غنی نفتی باکو شد. ثانیاً روسیه تا اواسط قرن ۱۹ موفق شد قفقاز را کاملاً تحت اشغال خود درآورد. ثالثاً در سالهای ۸۰-۶۰ قرن ۱۹ روسیه توانست در ترکستان سیاست اشغالگرانه خود را بطور موفقیت‌آمیزی دنبال کند و بدین وسیله در خاورمیانه و در آسیای مرکزی برای سیاست استعمارگرانه انگلستان خطری ایجاد نماید. در اواخر قرن ۱۹ روسیه موفق شد بر ۹۰ درصد از منطقه ساحلی خزر کنترل خود را اعمال نماید و در قرن ۲۰ آن کشور توانست در منطقه خزر به یک قدرت ژئوپلیتیک حاکم تبدیل گردد.

روسیه در اوایل قرن ۲۰ در منطقه خزر بطور کلی حاکمیت خود را برپا نموده بود. این امر در جریان رویدادهای نظامی و سیاسی که در تمام خاورمیانه گسترش یافته بود تأثیر بسیاری داشته است. عوامل مذکور نیروهای با قدرت‌گریز از مرکز را بیدار کرده باعث شد در مناطق

دوردست از جمله در قفقاز جنوبی و ترکستان روندهای جدایی طلب ظهور نماید.

در شرایطی که جنگ جهانی ادامه داشت میان دو بلوک بزرگ نظامی - سیاسی یعنی آنتانتا و اتحاد سه کشور پیکار ژئوپلیتیک از یکسو و بعدها مبارزه روسیه شوروی که با هر دو بلوک مذکور دشمنی داشت و می خواست در تمام منطقه خزر کنترل خود را اعمال نماید از سوی دیگر شدت یافت و کلید نیل به این هدف ژئواستراتژی شهر باکو بود که یکی از مراکز صنعت نفت جهانی و بندرگاه مهم در خزر محسوب می شد. پس از فتح این شهر برای اعمال کنترل کامل در دریای خزر امکانات بسیاری مهیا می شد. بین سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۲۰ پیکار ژئوپلیتیک شدیدتر شده بود و توجه روسیه (سفید و سرخ) و ترکیه و آلمان و انگلستان به این پیکار جلب شد. فعالیت‌های انگلستان بیش از همه بود. هدف انگلستان نیل به یکی از اهداف ژئوپلیتیک خود در مشرق زمین بود. به عبارت دیگر، این کشور می خواست در خاور نزدیک و خاورمیانه مواضع خود را هرچه بیشتر محکمتر کند و قفقاز و ترکستان را از روسیه بر باید و میدانهای نفتی ایران و عراق و باکو را بدست آورد؛ ولی در بهار سال ۱۹۲۰ ارتش سرخ و نیروهای دریایی آن بطور موفق در منطقه دریای خزر چندین عملیات جنگی را انجام داد که برای روسیه شوروی برتری در منطقه مذکور را به ارمان آورد. این اقدام باعث گردید که کشورهای قفقاز جنوبی و در وهله اول آذربایجان استقلال خود را از دست بدهند.

در جنگ جهانی دوم که نبرد ابرقدرتها بود در منطقه خزر بخصوص در باکو طرفین جنگ یعنی آلمان از یک سو و شوروی و آمریکا و انگلستان از سوی دیگر چندین عملیات نظامی و استراتژیک را انجام دادند. در این منطقه، اهداف ژئواستراتژیک و نظامی - اقتصادی بهم پیچیده بود. برای آلمان اشغال منطقه نفت خیز شوروی بخصوص شهر باکو که ۲ الی ۳ درصد از نفت تمامی شوروی را تأمین می کرد، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. ولی عملیات سرنوشت ساز ارتش شوروی در نبردهای قفقاز علیه نیروهای آلمان در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۲ و ۳ ژانویه ۱۹۴۳ نقشه‌های هیتلر در مورد این منطقه را برهم زد.

در دوران پس از جنگ جهانی دوم در پیکار ژئوپلیتیک در منطقه خزر آرامش بوجود آمد

ولی حوادثی که پس از دهه ۹۰ قرن ۲۰ پیش آمد به آرامش مذکور خاتمه داد. در مناطق ساحلی خزر کشورهای تازه به استقلال رسیده پایه عرصه وجود نهادند و ظهور جمهوری آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان و تأثیر روزافزون غرب در این منطقه و نیز کاهش نفوذ روسیه در این منطقه در اختلافات بین‌المللی جنبه‌های سیاسی جدیدی را ظاهر ساخت.

دقت و توجه روزافزون کشورهای قدرتمند نزدیک و دور به این منطقه نه تنها بخاطر نفت بیکران خزر بلکه بیشتر به دلیل مقام ویژه ژئوپلیتیک آن می‌باشد.

در روزگار کنونی اختلافات ژئوپلیتیک از شرق دریای مدیترانه به منطقه خزر انتقال داده می‌شود که در چنین حالتی گاه آمریکا و ناتو و گاهی هم روسیه و ایران بعنوان قدرتهای تغییر دهنده اوضاع ژئواستراتژیک مطرح می‌شوند.

در این کتاب، برای اولین بار در جمهوری آذربایجان مشکلات اصلی در تاریخ جغرافیایی و ژئوپلیتیک معاصر منطقه خزر بررسی می‌گردد. براساس کتب علمی فراوان و منابع مستند، مؤلف کتاب، دوره‌های تاریخی و جغرافیایی را بررسی می‌کند که در آن کشورهای بیگانه با هم در این منطقه رقابت و دشمنی می‌کرده‌اند. این کتاب از دوره‌های قدیم تا روزگار فعلی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این کتاب جایگاه و نقش یکی از مراکز کلیدی تاریخی - جغرافیایی دنیا یعنی منطقه خزر معرفی می‌گردد و دورنمای این منطقه در شرایط روندهای ژئوپلیتیک معاصر بررسی می‌گردد.

مطالعه کتاب تاریخ جغرافیایی منطقه خزر، ژئوپلیتیک و روزگار معاصر برای محققان و کارشناسان رشته تاریخ، سیاست و ژئوپلیتیک منطقه بسیار مفید است.

دکتر غلام پروین دارآبادی، نویسنده کتاب تاریخ جغرافیایی منطقه خزر، ژئوپلیتیک و روزگار معاصر، استاد رشته علوم تاریخ و روابط بین‌الملل در دانشگاه دولتی باکو است. نامبرده صاحب تألیفات دیگر در این زمینه نیز می‌باشد.

فرهاد بیات

نماینده مطالعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران

باکو



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی